

## آیا کسی از علمای نوعی اهل سنت مولی را به معنی اولی بکار برده است؟

جواب :

با مراجعه به آراء دانشمندان و متخصصان دانش لغت خواهیم دانست که آنها اعتراف کرده اند نه تنها در لغت عرب که حتی در آیات قرآن کریم نیز «مولی» به معنای «اولی» آمده است. از جمله این دانشمندان می توان به افراد ذیل اشاره کرد:

1. الکلبی ، محمد بن السائب [1] ، (متوفی 146 هـ) :

محمد بن سائب کلبی از علمای پرآوازه لغت عرب در قرن دوم می باشد.

فخر رازی ، مفسر مشهور اهل سنت در تفسیر آیه « هی مولاکم و بیئس المصیر» [2] می نویسد:

وفي لفظ المولي ههنا أقوال : أحدها قال ابن عباس : «مَوْلَاكُمْ» أي مصيركم ... والثاني : قال الكلبی : یعنی اولی بکم ، وهو قول الزجاج والفراء وأبي عبيدة . [3]

در لفظ (مولی) چند نظریه وجود دارد ، یکی از آن سخنان از ابن عباس است که گفته است: (مولاکم) یعنی فرجام و عاقبت ... سخن دوم از کلبی است که می گوید : (مولی) یعنی اولی و برتر از شما به خود شما است.

بخوی و أبو حیان اندلسی ، نظر کلبی را این گونه نقل می کنند:

(هو مولانا) ناصرنا وحافظنا وقال الكلبی هو اولی بنا من أنفسنا في الموت والحياة [4] .

(او مولای ما است) یاور و نگاهدار ما است ، کلبی گفته است : مولی به معنای اولی و برتر از ما به جان ما در مرگ و زندگی است .

2. الفراء ، یحیی بن زیاد [5] ، (متوفای 207 هـ) :

همان طور که گذشت ، به شهادت فخر رازی ، فراء نیز از کسانی است که می گوید «مولی» به معنای «اولی» می آید :

والثاني : قال الكلبی : یعنی اولی بکم ، وهو قول الزجاج والفراء وأبي عبيدة .

تفسیر کلمه (مولی) به معنای اولی و برتر، از فراء نیز نقل شده است .

3. ابي عبيدة ، معمر بن المثنی [6] ، (متوفای 210 هـ) :

علاوه بر آن چه از فخر رازی نقل شد ، ابو عبیده در کتاب مجاز القرآن در باره معنای کلمه مولی در آیه «هی مولاکم» می گوید :

«هی مَوْلَاكُمْ» اولی بکم . [7]

این مولای شما است ؛ یعنی اولی و برتر است به شما .

4. الزجاج ، أبو اسحاق [8] ، (متوفای 311 هـ) .

به شهادت فخر رازی ، زجاج نیز از کسانی است که «مولی» را به معنای «اولی» گرفته است :

والثاني : قال الكلبی : یعنی اولی بکم ، وهو قول الزجاج والفراء وأبي عبيدة .

زجاج نیز در تفسیر و توضیح کلمه (مولی) گفته است : یعنی اولی و برتر به شما است .

5. أبو بكر الأنباري<sup>[9]</sup> (متوفای 328هـ) :

ویکون المولي : الأولي . قال الله عز وجل : «النارُ هي مولاکم» معناه : هي اولي بکم . أنشدنا أبو العباس للبيد :  
فَعَدَّتْ كِلاَ الفَرَجَيْنِ تحسبُ أَنَّهُ \* موليِ المَخافَةِ خَلْفُها وَأمامُها .  
معناه : اولي بالمخافة خلفها وامامها ...<sup>[10]</sup>

ابوبکر انباري گفته : مولي به معنای اولی است ، و این فرمایش خداوند : (النار هي مولاکم) ؛ یعنی نار اولی است برای شما . در شعر لبيد هم به معنای اولی آمده است : دو گروه متخاصم گمان بردند که ترسناک تر و سزاوارتر برای ترس و وحشت سر و روبرو است .

6. أبو القاسم صاحب بن عبّاد الطالقاني<sup>[11]</sup> (متوفای 385هـ) :

وتكونُ بمعني الأولي ؛ كقولُه عَزَّ ذِكْرُه : «هيَ مَولاكُم» اي هيَ أولي بكم .<sup>[12]</sup>  
مولي به معنای اولی است ، مانند این فرمایش خداوند متعال : (هي مولاکم) ؛ یعنی این آتش برای شما سزاوارتر است .

7. الدقيقي النحوي<sup>[13]</sup> (متوفای 614هـ) :

وي نیز که از بزرگان علم لغت در قرن هفتم به شمار می ورد ، تصریح می کند که «مولي» به معنای «اولي» می آید :  
وقال تعالي : «أواكُم النار هي مولاكُم» اي اولي بكم .<sup>[14]</sup>  
خداوند فرمود : جایگاه شما آتش است، یعنی آتش اولی و برتر است برای شما .

8. ابن منظور الأفریقي<sup>[15]</sup> (متوفای 711هـ) :

ابن منظور مصري که کتاب لسان العرب او از برترین کتاب های لغت به شمار می رود ، با استشهاد به شعر معروف لبيد تصریح می کند که «مولي» در این شعر به معنای «أولي» است :

وأما قول لبيد : فعدت كلا الفرجين تحسب أنه مولي المخافة خلفها وأمامها فيريد أنه أولي موضع أن تكون فيه الحرب .<sup>[16]</sup>  
در شعر لبيد : از (مولي المخافة) این چنین قصد شده است که :سزاوارتر و برترین مکان که در آن جنگ خواهد بود، پشت سر و روبرو است

9. أبو البقاء الكفوي (متوفای 1094هـ) :

كفوي از بزرگان لغت در قرن یازدهم است . وي در کتاب مشهورش الكلليات در باره کلمه (مولي) می نویسد :  
«أواكُم النار هي مولاكُم» اي : هي اولي بكم .<sup>[17]</sup>  
جایگاه شما آتش است ؛ یعنی اولی و سزاوار تر برای شما است .

10. الحسيني الزبيدي<sup>[18]</sup> (متوفای 1205هـ) :

وي با استشهاد به شعر لبيد ، می نویسد :

وقول لبيد : فَعَدَّتْ كِلاَ الفَرَجَيْنِ تحسبُ أَنَّهُ \* مَوليِ المَخافَةِ خَلْفُها وَأمامُها . فَإِنَّه أَرادَ أولي مَوضع يَكُونُ فيه الخَوفُ .<sup>[19]</sup>  
(ترجمه آن قبلا گذشت)

آنچه گذشت بخشی از آراء و اندیشه های بزرگانی از قافله علم و ادب ، لغت بود که در تفسیر کلمه مولي از آنان در کتب لغت و غیر آن به ثبت رسیده است .

حال از وجدان قلم بدستان و مبلغان حقیقت جو می پرسیم که : آیا باز هم جایی برای ادعای اجماع شما باقی می ماند که گفتند :

اجماع اندیشمندان عرب اعم از لغت شناس و مورخ و دیگران بر این است که کلمه (مولي) به معنای (اولي) استعمال و تفسیر نشده است؟

[1] . شرح حال محمد بن سائب کلبی:

ذهبی در باره او گفته است:

محمد بن السائب کلبی . ت . بن بشیر بن عمرو وأبو النضر الكلبی الكوفي الأخباری العلامة صاحب التفسیر . روي عن الشعبي وأبي صالح باذام وأصبغ بن نباتة وطائفة ... قال ابن عدي : ليس لأحد تفسير أطول من تفسير الكلبی .

محمد بن سائب کلبی از کوفیان و فردی اخباری بود ، وی صاحب تفسیر و با لقب علامه مشهور است ، ابن عدي در حق وی گفته است : تفسیری به گسترده گی تفسیر کلبی از هیچ کس سراغ نداریم .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای ۷۴۸هـ) ، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام ، ج ۹ ، ص 267 ، تحقیق د . عمر عبد السلام تدمري ، ناشر : دار الكتاب العربي - لبنان/ بیروت ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۰۷هـ - 1987 - م

[2] . الحديد ، ۱۵

[3] . الرازي الشافعي ، فخر الدين محمد بن عمر التميمي (متوفای ۶۰۴هـ) ، التفسیر الكبير ، ج ۲۹ ، ص ۱۹۸ ، ناشر : دار الكتب العلمية - بیروت ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م .

[4] . البغوي ، الحسين بن مسعود (متوفای ۵۱۶هـ) ، تفسیر البغوي ، ج ۲ ، ص ۲۹۹ ، تحقیق : خالد عبد الرحمن العك ، ناشر : دار المعرفة - بیروت : الأندلسي ، محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان (متوفای ۷۴۵هـ) ، تفسیر البحر المحيط ، ج ۵ ، ص ۵۳ ، تحقیق : الشيخ عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ علي محمد معوض ، شارك في التحقيق (۱) د. زكريا عبد المجيد النوقي (۲) د. أحمد النجولي الجمل ، ناشر : دار الكتب العلمية - لبنان/ بیروت ، الطبعة : الأولى ، 1422هـ - ۲۰۰۱م .

[5] . شرح حال فراء :

خطیب بغدادی در باره او می نویسد :

یحیی بن زیاد بن عبد الله بن منظور أبو زكريا الفراء مولي بني أسد من أهل الكوفة نزل بغداد وأملی بها كتبه في معاني القرآن وعلومه ... ويحكى عن أبي العباس ثعلب انه قال لولا الفراء لما كانت عربية لأنه خلصها وضبطها ولولا الفراء لسقطت العربية لأنها كانت تتنازع ويدعيها كل من أراد ويتكلم الناس فيها علي مقادير عقولهم وقرائحهم فتذهب .

فراء نیز اهل کوفه بود که به بغداد آمد و آثارش را در موضوع علوم و معانی قرآن در همین شهر پدیدار کرد ، از ابو العباس ثعلب نقل است که گفت : اگر فراء نبود ادبیات عرب نابود می شد ؛ چون او بود که آن را خالص نگه داشت و نوشت ، اگر فراء نبود ادبیات عرب از طرف نا اهلان رو به نابودی می گذاشت ؛ چون هر کس به اندازه درک و فهمش از آن می گفت و می نوشت

البغدادي ، أحمد بن علي أبو بكر الخطيب (متوفای ۴۶۳هـ) ، تاریخ بغداد ، ج ۱۴ ، ص ۱۴۹ ، رقم : ۷۴۶۷ ، ناشر : دار الكتب العلمية - بیروت . و أبو محمد يافعي متوفای ۷۶۸ هـ او را این گونه معرفی می کند :

الامام البارع النحوي يحيي بن زياد الفراء الكوفي اجل اصحاب الكسائي كان رأسا في النحو واللغة ابرع الكوفيين واعلمهم بفنون الادب ... فراء از بزرگترین و با ارزش ترین شاگردان کسائی است ، که در دانش نحو و لغت سر آمد کوفیان و نسبت به فنون ادبیات عرب داناترین است .

اليافعي ، أبو محمد عبد الله بن أسعد بن علي بن سليمان (متوفای ۷۶۸هـ) ، مرآة الجنان وعبرة اليقظان ، ج ۲ ، ص ۲۸ ، حوادث سال ۲۰۷هـ ، ناشر : دار الكتاب الإسلامي - القاهرة - ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۳م .

[6] . شرح حال أبو عبیده :

شمس الدین ذهبی در باره او می گوید :

أبو عبیده معمر بن المثنی التیمی البصری اللغوی الحافظ صاحب التصانیف ... قال الجاحظ: لم یکن فی الأرض خارجی ولا جماعی اعلم بجمیع العلوم من أبی عبیده و ذکره بن المدینی فصیح روایاته .

ابو عبیده از بصریان و لغت شناس و حافظ (کسی که احادیث فروانی حفظ باشد) ، دارای آثار علمی است . جاحظ در باره او گفته : در روی زمین کسی آگاه تر از ابو عبیده به همه دانش ها نبوده است .

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای ۲۴۸هـ) ، تذکرة الحفاظ ، ج ۱ ، ص ۳۷۱ ، رقم : ۳۶۷ ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، الطبعة : الأولى .

و جلال الدین سیوطی می گوید :

وكان فی العصر ثلاثة هم أئمة الناس فی اللغة والشعر وعلوم العرب لم یر قبلهم ولا بعدهم مثلهم ، عنهم أخذ جل ما فی أیدی الناس من هذا العلم ، بل کله ، وهم : أبو زید ، وأبو عبیده والأصمعی ، وکلهم أخذوا عن أبی عمرو اللغة والنحو والشعر .

در لغت و شعر و علوم قرآن سه نفر مقام پیشوائی آن را دارند که مانند آنان قبل و بعد از ایشان دیده نشده است. آنچه از این دانشها در دسترس مردم است از اینان گرفته شده است. این سه تن عبارتند از ابو زید، ابو عبیده، و اصمعی، و این سه نفر آنچه داشته اند از ابو عمر گرفته اند.

السیوطی ، عبد الرحمن بن أبی بکر (متوفای ۹۱۱هـ) ، المزهر فی علوم اللغة وأنواعها ، ج ۲ ، ص ۴۴۴ ، تحقیق : فؤاد علی منصور ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م .

[7] . التیمی ، أبو عبیده معمر بن المثنی ، مجاز القرآن ، ج ۱ ، ص ۱۲۲ .

[8] . شرح حال زجاج :

خطیب بغدادی در باره او می گوید :

إبراهیم بن السری بن سهل أبو إسحاق النحوی الزجاج صاحب کتاب معانی القرآن کان من أهل الفضل والدين حسن الإعتقاد جمیل المذهب وله مصنفات حسان فی الأدب .

زجاج ، صاحب کتاب معانی قرآن است ، وی اهل فضل و دین بود و اعتقاداتی نیکو داشت ، و در ادبیات عرب آثاری نیکو به جای گذاشت .

البغدادی ، أحمد بن علی أبو بکر الخطیب (متوفای ۴۶۳هـ) ، تاریخ بغداد ، ج ۶ ، ص ۸۹ ، رقم : ۳۱۲۶ ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت .

[9] . شرح حال ابن الأنباری :

ذهبی در باره او می نویسد :

ابن الأنباری الإمام الحافظ اللغوی ذو الفنون أبو بکر محمد بن القاسم بن بشار ابن الأنباری المقرئ النحوی وسمع فی صباه باعتناء أبيه من محمد بن یونس الکردیمی و اسماعیل القاضي وأحمد بن الهیثم البزاز وأبی العباس ثعلب وخلق کثیر .

قال أبو علی القالی کان شیخنا أبو بکر یحفظ فیما قیل ثلاث مئة ألف بیت شاهد فی القرآن . قلت هذا یجیء فی أربعین مجلدا . وقال محمد بن جعفر التیمی ما رأینا أحدا أحفظ من ابن الأنباری ولا أعز من علمه وحدثونی عنه أنه قال أحفظ ثلاثة عشر صندوقا ... وقیل إن من جملة محفوظه عشرين ومئة تفسیر بأسانیدها .

قال أبو بکر الخطیب کان ابن الأنباری صدوقا دینا من أهل السنة صنف فی علوم القرآن والغریب والمشکل والوقف والابتداء . وقال غیره کان من أعلم الناس وأفضلهم فی نحو الکوفیین وأكثرهم حفظا للغة أخذ عن ثعلب وأخذ الناس عنه .

ابن انباری امام و لغت شناس و آشنا به همه دانش ها بود ، در کودکی از افراد زیادی کسب دانش نمود ، گفته شده است : حافظ سه هزار شعر بود که برای مفاهیم قرآن از آن استفاده کرد .

محمد بن جعفر تمیمی در باره وی گفته : در قدرت حافظه و دانش فراوان کسی مانند او ندیدیم ، و شنیدم که گفته است : سیزده صندوق کتاب را حافظم ، که از جمله محفوظاتش صد و بیست تفسیر با سند آن است .

خطیب در باره وی گفته است : ابن انباری راستگو دیندار و از اهل سنت بود ، در دانش قرآن ، و رشته های سخت علمی و وقف آثاری بر جای گذاشت .

دیگران در باره وی گفته اند : ابن انباری از دانشمند ترین مردم و برترین آنان در دانش نحو و لغات فراوانی را حافظ بود ، او دانشش را از ثعلب گرفت و دیگران از او .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای ۷۴۸هـ) ، سیر أعلام النبلاء ، ج ۱۵ ، ص ۲۷۴ ، رقم : ۱۲۲ ، تحقیق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت ، الطبعة : التاسعة ، ۱۴۱۳هـ .

[10] . الأنباري ، أبو بكر محمد بن القاسم (متوفای ۳۲۸هـ) ، الزاهر في معاني كلمات الناس ، ج ۱ ، ص ۱۲۵ ، تحقیق : د. حاتم صالح الضامن ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ .

[11] . شرح حال صاحب بن عباد :

ابن خلکان در باره او می نویسد :

الصاحب بن عباد . الصاحب أبو القاسم إسماعيل بن أبي الحسن عباد بن العباس بن عباد بن أحمد ابن إدريس الطالقاني كان نادرة الدهر وأعجوبة العصر في فضائله ومكارمه وكرمه أخذ الأدب عن أبي الحسين أحمد بن فارس اللغوي صاحب كتاب المجمل في اللغة وأخذ عن أبي الفضل ابن العميد وغيرهما .

وقال أبو منصور الثعالبي في كتابه اليتيمة في حقه ليست تحضرني عبارة أرضاها للإفصاح عن علو محله في العلم والأدب وجماله شأنه في الجود والكرم وتفردته بالغايات في المحاسن وجمعه أشتات المفاخر لأن همة قولني تنخفض عن بلوغ أدني فضائله ومعاليه وجهد وصفي يقصر عن أيسر فواضله ومساغيه .

صاحب بن عباد در فضائل و سجایای اخلاقی و جود و کرم ، اعجوبه و یگانه روزگار بود ، دانش صرف و نحو را از احمد بن فارس ، لغت شناس و صاحب کتاب المجمل در لغت و از ابن عمید و غیر این دو آموخت .

ثعالبي در کتابش اليتيمة می نویسد : تعبیری که به تواند پرده از مقام والا و ارجمند صاحب بن عباد بر دارد و جایگاه دانش و ادب او و جود و کرم و محاسن اخلاقی وی را برساند نزد من نیست و عبارات کوتاه تر از آن است که گوشه ای از برتری های وی را بازگو کند .

إبن خلکان ، أبو العباس شمس الدين أحمد بن محمد بن أبي بكر (متوفای ۶۸۱هـ) ، وفيات الأعيان و انباء أبناء الزمان ، ج ۱ ، ص ۲۲۸ ، رقم : ۹۶ ، تحقیق احسان عباس ، ناشر : دار الثقافة - لبنان .

[12] الطالقاني ، أبو القاسم إسماعيل ابن عباد بن العباس بن أحمد بن إدريس (متوفای ۲۸۵هـ) ، المحيط في اللغة ، ج ۱۰ ، ص ۲۸۰ ، اسم المؤلف: تحقیق : الشيخ محمد حسن آل ياسين ، ناشر : عالم الكتب - بيروت / لبنان ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۴م .

[13] . شرح حال الدقيقي النحوي :

ذهبی در باره او می گوید :

سليمان بن بنين بن خلف . أبو عبد الغني المصري ، الدَّقِيقِي ، النحوي ، الأديب . سمع من : إسماعيل الزِّيَات ، وعبد الله بن بَرِّي ، وشير بن علي ، وخلق من طبقتهم . ولزم ابن بَرِّي مدة في النحو . وصنّف في النحو ، والعروض ، والرَّفَائِق ، وغير ذلك . روي عنه : الزُّكِّي عبد العظيم .

دقيقي نحوي ، ادب شناسي است که از اسماعيل زيات و عبد الله بن بري و شير بن علي و ديگران استفاده برده است و براي مدتي همنشين ابن بَرِّي براي استفاده در علم نحو شد ، و در نحو و عروض و رفائِق و غير آن کتاب نوشت .

الذهبي ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای ۷۴۸هـ) ، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام ، ج ۴۴ ، ص ۱۹۸ ، تحقیق د. عمر عبد السلام تدمري ، ناشر : دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۰۷هـ - ۱۹۸۷م .

[14] . الدقيقي النحوي ، سليمان بن بنين (متوفای ۶۱۴هـ) ، اتفاق المباني وافتراق المعاني ، ج ۱ ، ص ۱۲۸ ، تحقیق : يحيي عبد الرؤوف جبر ، ناشر : دار عمار - الأردن ، الطبعة : الأولى ، ۱۴۰۵هـ - ۱۹۸۵م .

[15] . شرح حال ابن منظور :

سیوطی در باره او می نویسد :

محمد بن مکرم بن علی - وقیل رضوان - بن أحمد ابن أبي القاسم بن حقة بن منظور الأنصاري الإفريقي المصري جمال الدين أبو الفضل ، صاحب لسان العرب في اللغة ، الذي جمع فيه بين التهذيب والمحكم والصحاح وحواشيه والجمهرة والنهاية ... وخدم في ديوان الإنشاء مدة عمره ، وولي قضاء طرابلس ، وكان صدراً رئيساً ، فاضلاً في الأدب ، مليح الإنشاء ، روي عنه السبكي والذهبي . وقال : تفرد في العوالي ؛ وكان عارفاً بالنحو واللغة والتاريخ والكتابة .

ابن منظور صاحب کتاب لسان العرب در لغت است ، وي از چندین کتاب بهره برد ، و عمرش را در نویسندگی گذراند و قاضی شهر طرابلس شد ، وي مقامی والا داشت و در ادب عربی برتر بود و بسیار زیبا می نوشت ، آشنا به دانش نحو ، لغت ، تاریخ و نویسندگی بود .

السيوطي ، عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفاي۹۱۱هـ) ، بغية الوعاة في طبقات اللغويين والنحاة ، ج ۱ ، ص ۲۴۸ ، رقم : ۴۵۷ ، تحقيق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، ناشر : المكتبة العصرية - لبنان / صيدا .

[16] . الأفریقی المصري ، محمد بن مکرم بن منظور (متوفاي۷۱۱هـ) ، لسان العرب ، ج ۱۵ ، ص ۴۱۰ ، ناشر : دار صادر - بيروت ، الطبعة : الأولى .

[17] . الكفوي الحنفي ، أبو البقاء أيوب بن موسى الحسيني ، (متوفاي۱۰۹۴هـ) ، الكلبيات معجم في المصطلحات والفروق اللغوية ، ج ۱ ، ص ۸۷۰ ، تحقيق : عدنان درويش - محمد المصري ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م .

[18] . شرح حال زبيدي :

عبد الرحمن الجبرتي در باره او می نویسد :

وحضر دروس اشياخ الوقت كالشيخ أحمد الملوي والجوهري والحنفي والبليدي والصعيدي والمدابغي وغيرهم وتلقي عنهم واجازوه وشهدوا بعلمه وفضله وجوده حفظه واعتني بشأنه إسماعيل كتحدا عزبان ووالاه بره حتي راج امره وتروثق حاله واشتهر ذكره عند الخاص والعام ولبس الملابس الفاخرة وركب الخيول المسومة ...

واجتمع بأكابر النواحي وأرباب العلم والسلوك وتلقي عنهم وأجازوه وصنف عدة رحلات في انتقالاته في البلاد القبلية والبحرية تحتوي علي لطائف ومحاورات ومدائح نظماً نثراً لو جمعت كانت مجلدا ضخيماً .

در درس های بزرگان و اساتید وقت مانند : شیخ احمد ملوی ، جوهری ، حنفي ، بليدي ، صعيدي ، مدابغي و غیر آنان شرکت کرد و نکته ها آموخت و اجازه روایت گرفت ، به دانش و فضل و تیز هوشي و قوه حافظه اش همه گواهي دادند ، اسماعیل کدخدا عزبان او را گرامی داشت تا شهرتی به دست آورد و آوازه اش به گوش خاص و عام رسید ، لباس های گران قیمت می پوشید و مرکب های خوب سوار می شد ...

در جمع بزرگان دانش و عرفان حضور یافت و از آنان کسب فیض نمود ، یاد داشت هائی فراهم ورد که حاوی نکاتی دقیق و گفتگوهای شیرین و در ستایش ها به شعر و نثر است که اگر جمع آوری شود يك جلد قطور خواهد شد .

الجبرتي ، عبد الرحمن بن حسن (متوفاي۱۲۳۷هـ) ، تاریخ عجائب الآثار في التراجم والأخبار ، ج ۲ ، ص ۱۰۴ ، اسم المؤلف: ناشر : دار الجیل - بيروت .

[19] . الحسيني الزبيدي ، محمد مرتضي (متوفاي۱۲۰۵هـ) ، تاج العروس من جواهر القاموس ، ج ۴۰ ، ص ۲۵۴ ، تحقيق : مجموعة من المحققين ، ناشر : دار الهداية .

موفق باشيد

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)